

جیمس هسیانگ*
ترجمه محمود حقیقی**

سیاست خارجی چین و تشنج زدائی در روابط چین-شوروی

مقدمه

سیزدهمین کنگره بسیار با اهمیت حزب کمونیست چین (ccp) جهت گیریهای جدیدی را برای سیاست خارجی این کشور وضع کرد. در این اجلاسیه که در اواخر اکتبر سال ۱۹۸۷ تشکیل شد، حزب سیاست خارجی چین را در سه جهت مهم نظم تازه ای بخشید: «سیاست خارجی مستقل چین» را مورد تاکید مجدد قرارداد، پنج اصل «همزیستی مسالمت آمیز» را به عنوان راهنمای روابط چین با کلیه کشورها از جمله شوروی به صورت تازه ای در آورد، و به کارزار دیرپای خود علیه «سلطه گرانی»*** خاتمه

* جیمس هسیانگ استاد علوم سیاسی دانشگاه نیویورک است و مشخصات مقاله ایشان به شرح زیر است .

James C. Hsiung, "Sino- Soviet Detent and Chinese Foreign Policy"
Current History, vol 87, No 530 (Sept. 1988), pp. 245-249.

** کارشناس تحقیقاتی مرکز مطالعات عالی بین المللی وابسته به دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران .

*** اتهام چین نسبت به آمریکا و شوروی است که خیال سلطه مشترک بر جهان را داشته اند.

داد.^۱ تفسیر مختصری در باب این سه اصل جدید بجا خواهد بود. «سیاست خارجی مستقل چین» ادامه سیاستی است که سابقه آن به کنگره دوازدهم حزب می رسد. این کنگره حاکی از صف بندی جدیدی در سال ۱۹۸۲ به منظور تخفیف تنش در روابط با مسکو در عین حفظ روابط حسنه با واشنگتن بود. اصطلاح «مستقل» اشاره به اصرار چین بر فارغ ماندن از هرگونه درگیری جانبدارانه با هریک از ابرقدرتها بود. لازمه این تغییر شناسایی مجدد شوروی به عنوان يك دولت سوسیالیست (ونه يك دولت تجدید نظرطلب) از سوی چین بود. اما هوشیاری در قبال «سلطه گری» (اصطلاحی رمز آلود برای ملی گرایی افراطی شوروی) هم در سال ۱۹۸۲ به عنوان يك هدف استراتژیک در سیاست خارجی چین باقی ماند.^۲

خاتمه کارزار ضدیت با سلطه گری در کنگره سیزدهم حزب کمونیست چین در مقایسه با تمامی برداشتهای چین بر سرتاسر دو دهه گذشته نمایانگر برداشت مثبت تری در مورد مسئله شوروی بود. خاتمه یافتن ضدیت با سلطه گری همراه با [اعلام] «همزیستی مسالمت آمیز» نشان دهنده يك تغییر کیفی بود. برای درک کامل این نکته باید به خاطر آورد که همزیستی مسالمت آمیز در دوره های مختلف کاربردهای متفاوتی برای پکن داشته است. در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ همزیستی مسالمت آمیز بر روابط چین با ممالک غیر سوسیالیست و غیر غربی همچون هند و مصر حاکم بود. از سوی دیگر روابط این کشور با اردوگاه سوسیالیستی تحت حاکمیت مجموعه اصول متعالی تری معروف به

۱. بنگرید به گزارش زائو زیانگ دبیر کل حزب کمونیست چین خطاب به

سیزدهمین کنگره حزب در ۲۵ اکتبر ۱۹۸۷ در ..

Hong Qi, No 21 (Nov. 4, 1987), pp. 3-26.

2. James C. Hsiung, *Beyond China's Independent Foreign Policy*, (New York: Praeger, 1985), p. 171.

همچنین بنگرید به گزارش هو یائو بانگ دبیر کل وقت حزب کمونیست چین

خطاب به دوازدهمین کنگره حزب.

«انترناسیونالیسم پرولتری» قرار داشت. پس از بروز شکاف میان چین و شوروی هیچ یک از دو اصطلاح همزیستی مسالمت آمیز و انترناسیونالیسم پرولتری در مورد روابط میان این دو دولت کمونیستی به کار نمی رفت.^۳ در عوض، به تدریج اصل ضدیت با سلطه گری بر سیاست خارجی چین در ارتباط با روسیه حاکم شد.

تغییر موضع چین در قبال مسئله سلطه گری در اواخر سال ۱۹۸۷، به سرعت یا به ناگاه پدید نیامد. روابط چین و شوروی از سال ۱۹۸۲ به طور پیوسته روبه بهبود می رفت.^۴ ولی علی رغم در جریان بودن بازرگانی دو جانبه و مبادله دیدارهای رسمی، پیشرفت بیشتر (طبق گفته های پکن) به سه مانع برخورد کرد: حضور لشکریان روسیه در امتداد مرز مشترک دو کشور (از جمله در ناحیه مغولستان خارجی)، حضور شوروی در افغانستان و اشغال کامبوج توسط ویتنام با کمک روسیه.

با این حال نطق مصالحه جویانه میخائیل گورباچف، دبیر کل حزب کمونیست شوروی، در ولادی وستک در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۸۶ فتح باب دوره جدیدی (در روابط دو کشور) بود. دنک شیائوپینگ رهبر دو فاکتوی چین در واکنشی مثبت نسبت به این نطق خاطر نشان ساخت: به شرطی که شوروی مایل به بر طرف ساختن «سه مانع» فوق الذکر باشد، من شخصاً حاضر به ملاقات با گورباچف هستم.^۵

گفتگو در باره مرزها که از سال ۱۹۷۸ به حالت تعلیق در آمده بود، در طی

3. James C. Hsiung, *Law and Policy in China's Foreign Relations*, (New York: Columbia University press, 1972).

۴. در مورد ریشه های تنش زدائی جاری میان چین و روسیه بنگرید به:

James C. Hsiung, "Soviet- Chinese Detente," *Current History*, October, 1985, pp. 329-333 .

5. "Deng Xiaoping on Sino- Soviet Relations", People's Republic of China (PRC) mission to UN, press release no. 32 September 6, 1986.

سال ۱۹۸۷ از سرگرفته شد. طی شش ماه دو دیدار در سطح معاونان وزارت خارجه دو کشور صورت گرفت، برای بحث درباره جزئیات پیامدهای دیدار معاونان وزارت خارجه «گروه های کار» تشکیل گردید. به این فهرست باید دور گفتگوهای «عادی سازی روابط» را که در هر سال دو بار برگزار می شد و از اواخر سال ۱۹۸۲ آغاز گردید، و نیز گفتگوهای معمولی در کمیسیون همکاری دو جانبه علمی و فنی را اضافه کرد. این کمیسیون حاصل موافقت نامه هایی است که طی مأموریت ایوان آرخیپف Ivan Arkhipov، معاون وزیر خارجه شوروی در سال ۱۹۸۴ امضاء شد. دید و بازدیدهای مأموریتی، علمی، تجاری و دیدارهای شهرداران دو کشور محفلهای ثمر بخش دیگری را به وجود آورد.

با نگر به گذشته می توان گفت که تغییر رسمی موضع پکن در باب مسئله «سلطه گری» از گزارش زائونزیانگ نخست وزیر وقت چین در مارس ۱۹۸۶ مشهود بود. از مجموع پنج نکته مهمی که وی در باب سیاست خارجی چین نکر کرد، سه مورد آن یا متوجه مسکو بود یا اشاره به پیوندهای بهتر میان دو کشور داشت. اولاً وی به طور مکرر از بابت رفع «سه مانع» ابراز امیدواری می کرد، ثانیاً همزیستی مسالمت آمیز را به عنوان مبنایی برای «از سرگیری» روابط خوب علی رغم «اختلافات مسلکی» پیشنهاد کرد و ثالثاً اعلام داشت که سیاست «درهای باز» چین به طور یکسان برای کشورهای سوسیالیست و سرمایه داری ارائه شده است.^۶

با این حال وی در زمینه به تعلیق در آوردن کارزار حزب کمونیست چین بر علیه سلطه گری محتاطانه عمل کرد. زائونزیانگ در نطق مهم خود خطاب به سیزدهمین کنگره در اواخر سال ۱۹۸۷ که طی آن رسماً به عنوان دبیرکل حزب سخن می گفت، به بازنگری سیاست خارجی چین از سال ۱۹۷۸ به بعد

۶. گزارش زائونزیانگ نخست وزیر وقت جمهوری خلق چین خطاب به چهارمین

پرداخت. وی در این نطق به دو اصل برجسته ای اشاره کرد که راهنمای سیاست خارجی چین طی دوره مزبور بوده است. یکی از این اصول، اصل «یک کشور با دو سیستم» بود، به گفته زائو مطابق با اصل مزبور چین قراردادهای موفقیت آمیزی با انگلستان و پرتغال به ترتیب در خصوص برگشت مجدد هنگ کنگ و ماکائو به چین منعقد ساخت. اصل دیگر به گفته وی، سرسپردن به اهداف سه گانه «استقلال»، «ضدیت با سلطه گری» و «حفظ صلح جهانی» بود. ولی در بخش انتهایی نطق وی که به بحث درباره سیرآتی سیاست خارجی چین اختصاص داشت، اشاره به سلطه گری حذف شده بود. بدین ترتیب آشکار بود که ضدیت با سلطه گری امری متعلق به گذشته ها تلقی می شد.

محیط استراتژیک جدید

در این فضای تسکین یافته تر، چینی ها در نوامبر سال ۱۹۸۷ در جشن هفتادمین سالگرد «انقلاب اکتبر» با شوروی هم‌نوا شدند. یک هیئت بلند پایه تحت ریاست زانگ ون جین (Zhang Wenjin)، سفیر سابق چین در واشنگتن که در حال حاضر ریاست انجمن چینی دوستی با ملت‌های بیگانه را عهده دار است، به منظور شرکت در این جشنها به مسکو اعزام شد. هیئت مزبور از دهه ۱۹۶۰ به این سو اولین نمونه در نوع خود بود. در خود چین مطبوعات رسمی در مورد جشنهای برگزار شده در شوروی گزارشات جالب توجهی درج کردند و انقلاب اکتبر را به عنوان یک پیروزی برای مارکسیسم-لنینیسم در تمام دنیا محسوب داشتند.

در هر سه زمینه ای که چینی ها قبلاً به عنوان مانع بهبود روابط خود با شوروی خاطر نشان می ساختند، حرکت قابل توجهی صورت گرفت. گورباچف در نطق خود در ولادی وستک اشعار داشت که در مورد عقب کشیدن لشکریان شوروی از مرز مغولستان و چین با مغولستان خارجی گفتگو خواهد

کرد. همچنین پس از دیدار ادوارد شوارد نادزه وزیر امورخارجه شوروی از افغانستان در اوایل سال ۱۹۸۷ چشم انداز عقب نشینی نیروهای روسیه از این کشور بهتر شد.^۷ همچنین میان پاکستان و افغانستان در خصوص یک دولت آشتی ملی که پس از خروج نیروهای شوروی ثبات را در افغانستان تأمین نماید، گفتگوهایی در ژنو آغاز شد.

چین که از پاکستان در زمینه کمکهای آن کشور به سه میلیون پناهنده افغانی و به شورشیان مبارز افغانستان حمایت می کرد،^۸ گفتگوهای ژنو را با اشتیاق زیر نظر داشت. اگر چه توافقات نهایی در این زمینه تا نیمه ماه آوریل ۱۹۸۸ حاصل نشد، ولی قصد اتحاد شوروی به رفع مانع افغانستان از اوایل سال ۱۹۸۷ برای پکن آشکار بود.

در زمینه مسئله هندوچین نیز پیشرفتهایی حاصل شد. هم در داخل سازمان ملل و هم در خارج از آن یک اتفاق نظر بین المللی به واسطه تلاش در دو زمینه ظهور کرد:

مذاکره در باب خروج ارتشیان ویتنام از کامبوج و تشکیل یک حکومت چهارجانبه ائتلافی در پنوم پن که نماینده نیروهای رقیب اصلی باشد.^۹ به واسطه توافق قبلی چین و شوروی در باب دوموضوع، برای اعضای پیمان آسه آن ASEAN (اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا) و ۵۷ کشور دیگر این

۷. بنگرید به :

"Mikhail Gorbachev's Statement on Afghanistan", U.S.S.R. mission to UN press release No. 25, February 1, 1988.

8. United States Department of State, Afghanistan: Eight Years of Soviet Occupation (Washington, D.C.: December, 1987) , p. 21. Also see: the New York times, April 12, 1988.

9. Far Eastern Economic Review (Hong Kong), February 4, 1988, pp. 30-31 Also PRC mission to UN, " Statement by Ambassador Li Luye", October 13, 1987; U.S.S.R. mission to the UN, " Statement of the Soviet/on Kampuchea/." press release No . 140, October 19, 1987.

امکان حاصل شد که مشترکاً قطعنامه ای تحت عنوان «وضعیت در کامبوج» را طی اجلاسیه چهل و دوم مجمع عمومی سازمان ملل مطرح سازند. جالب توجه آن بود که برای نخستین بار در عرض نه سال گذشته ویتنام نیز در مباحثات سالانه سازمان ملل در باب مسئله کامبوج شرکت جست.^۱ رژیم هنگ سامرین Heng Samrin در پنوم پن که به نست ویتنام ایجاد شده بود، موافقت خویش را با راه حلی مشابه اعلام نموده بود. میانجیگری سازمان ملل می توانست با بین المللی کردن مسئله کامبوج آن را به عنوان مانعی در سر راه روابط چین و شوروی از میان بردارد.

از دیدگاه چین تحولات جدیدی در افقهای استراتژیک وسیع تر رخ داده بود. در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ در روابط روسیه و ایالات متحده گسست هراس آوری ایجاد شده بود، در نتیجه واشنگتن مایل بود که چین را به ایجاد روابط شبه نظامی با امریکا و با هدف محاصره مسکو وادار سازد. هردوی این جریانات برای منافع امنیتی پکن مخاطره آمیز بود. «سیاست خارجی مستقل چین» که در سال ۱۹۸۲ اعلام شد، به معنی جبران این قضایا از طریق اجتناب از نزدیکی صمیمانه با واشنگتن، تخفیف تنش با مسکو، وتشویق مذاکره رو در رو میان ایالات متحده و شوروی بود. در این سالهای اخیر مذاکرات مستقیم امریکا و شوروی از سر گرفته شده است* و فشار ایالات متحده برای کشاندن چین به درون رابطه ای شبه نظامی با واشنگتن تخفیف یافته است. بدین لحاظ موانع استراتژیک کمتری در راه ایجاد رابطه ای «عادی تر» میان چین و شوروی وجود دارد.

در روابط دو جانبه چین و شوروی نیز یافتن زمینه های عملی برای تغییر

10. Prince Norodom Sihanouk's "Message to the UN General Assembly" regarding "Item 24: the Situation in Kampuchea" delivered by Son Sann, Coalition Government of Democratic Kampuchea, before UN General Assembly, October 13, 1987.

* توجه شود که مقاله در سال ۱۹۸۸ نوشته شده است که جنگ سرد بین شرق و غرب هنوز وجود داشته است.

موضع چین در مسئله سلطه گری چندان دشوار نیست. در ابتدای دهه ۱۹۸۰ چین از بابت تصور دو تهدید از جانب شوروی در تشویش بود. یکی از این تهدیدات محاصره ژئواستراتژیک چین توسط شوروی بود که از ولادی وستک به سمت غرب گسترش یافته است و به واسطه وجود کشور هند که با مسکو متحد بود، حلقه محاصره تکمیل می شد. براین اساس مداخله شوروی در کامبوج و اشغال افغانستان توسط این کشور دو مانع از سه مانع موجود بر سر راه [عادی سازی] روابط چین و شوروی را تشکیل می داد. دومین تهدید تصویری به واسطه موشکهای شوروی، از جمله موشکهای میان برد SS-20 مطرح می شد. اما در اواخر سال ۱۹۸۷ هر دوی این تهدیدات تخفیف یافتند. در آن زمان از بابت حل نهایی و قریب الوقوع مسئله افغانستان اطمینان موجهی وجود داشت و در زمینه حل وضعیت کامبوج نیز پیشرفت‌هایی رخ داده بود. بنابراین مسئله محاصره ژئواستراتژیک حدت و شدت خود را از دست داد. توافق شوروی و آمریکا در مورد برچیدن موشکهای میان برد موجود (پیمان INF) در سپتامبر ۱۹۸۷ به امضاء رسید و مسئله هدف گیری مجدد را که پکن از آن وحشت داشت، مرتفع ساخت و بدین وسیله دومین تهدیدی که متوجه چین بود، تخفیف بیشتری یافت.

افت ناگهانی در روابط چین و آمریکا

گرچه مشکلات عمده پکن با مسکو آشکارا تحت کنترل درمی آمد، ولی مسائل آن با ایالات متحده رو به افزایش داشت. این مسائل شامل مجادله برسر: «وضعیت حقوق بشر در تبت» و گزارشات مربوط به فروش سلاح (به خصوص موشکهای کرم ابریشم) از سوی چین به ایران می شد. در برابر این دورنما کنگره ایالات متحده یک سلسله قطعنامه هایی در تقبیح پکن به تصویب رساند. حکومت ریگان بر تحریم انتقال تکنولوژی به چین افزود و این تحریم تا مارس ۱۹۸۸ حتی به طور نسبی نیز کاهش نیافت.

در مناسبات چین و آمریکا مشکلات تجاری نیز وجود داشت، از قبیل مشکلات ناشی از موافقت نامه Multifiber Agreement که سند چند جانبه ای بود که به اصرار ایالات متحده تجدید شد. چین تمایلی به امضای این موافقت نامه نداشت، زیرا این کشور تنها تولیدکننده ابریشم، رامی، وسایر فرآورده های حاصل از گیاهان الیاف دار بود که برای نخستین بار تحت چنین موافقت نامه ای قرار می گرفت. به علاوه، بسیاری از اقدامات جدیدی که در ایالات متحده تحت پوشش قانون ضد دامپینگ* قرار می گرفت، چین را نیز تحت تأثیر قرار می داد. پکن نیز به تلافی، واردات چهل نوع از محصولات و خطوط تولید امریکایی را ممنوع ساخت و موانع غیر مستقیمی ایجاد کرد که بر واردات امریکایی تأثیر گذاشت.

با توجه به کلیه این مسائل، روابط چین و آمریکا در اوایل سال ۱۹۸۸ احتمالاً به پائین ترین سطح خود از زمان دیدار تاریخی نیکسون از این کشور در بهار سال ۱۹۷۲ رسید. ظاهراً چین پرخاشجویی لفظی ضد سلطه گرانه خویش را مجدداً متوجه واشنگتن می ساخت. به طور نمونه مقاله ای معتبر در روزنامه رسمی Beijing Review انتقادات ایالات متحده از چین را « تجلی پرچار و جنجال سلطه گری و... تهدیدی برای روابط پایدار چین و ایالات متحده » نامید.^{۱۱} این تیرگی در روابط چین با ایالات متحده احتمالاً ولو به طور موقت باعث تشویق بیشتر پکن در حرکت به سمت شوروی می شد. بدین ترتیب حذف ضدیت باسلطه گری در روابط با شوروی سوسیالیستی حساب شده بود.

* Dumping در لغت به معنی رقابت مکارانه، تبعیض قیمتها در بازرگانی با خارج، و در اصطلاح فروش کالا در بازار خارجی به قیمتی کمتر از بهای آن کالا در بازار داخلی است.

11. Huan Xiang, "Sino- US Relations over the past year", Beijing Review, February 15, 1988, p. 30.

ارتباطهای داخلی

میان موضعگیری جدیدچین در عرصه سیاست خارجی و اولویتهای این کشور در سیاست داخلی ارتباطی وجود دارد. کنگره سیزدهم در قطعنامه ای که به اتفاق آراء به تصویب رسانید، بار دیگر برسیاست «اصلاحات» و «بازشدن جامعه [برروی جهان خارج]» به عنوان اولویتی درجه یک در جهت حمایت از «بازسازی اقتصادی» کشور تأکید گذاشت. هدف برنامه اقتصادی، ایجاد یک چین قوی، مدرن و سوسیالیست اعلام شد.^{۱۲} برای استمرار جنبش اصلاحات اقتصادی که در سال ۱۹۷۸ آغاز شده بود، چین به یک سیاست خارجی نیاز داشت تا دستیابی به بازارها و منابع (تکنولوژی و سرمایه) کشورهای سرمایه داری و کشورهای سوسیالیست برادر، از جمله اتحاد شوروی را برای آن کشور تضمین نماید. دنک شیائوپینگ شخصاً به پیوند میان سیاست داخلی و خارجی خویش اطمینان داشت. وی می گفت: با تصمیم گیری در مورد سیاست داخلی بازسازی [اقتصادی] سیاست خارجی مان را نیز [با آن] هماهنگ ساختیم.^{۱۳}

محتماً یک دلیل دیگر هم برای تعیین زمان گرایش به سوی مسکو وجود دارد. تحت برنامه «پروسترویکا» ی گورباچف، روسیه در مسیریک رشته اصلاحات اقتصادی قرارگرفت که از جهات مختلف و به خصوص از جهت کاهش تدریجی اقتصاد برنامه ریزی شده استالینی، با اصلاحات چین شباهت داشت.^{۱۴} علاقمندی مسکو به استفاده چین از «مناطق اقتصادی ویژه» و از

12. CCP, "Resolution of the 13th party Congress on the Report of the Central Committee (November 1, 1987)", in Hong Qi , No. 21 (November 4, 1987), p. 27.

13. Beijing Review , January 11, 1988, p. 18.

۱۴. در مورد شرح اصلاحات اقتصادی چین بنگرید به: ←

سرمایه‌گذاری‌های مشترکی که هزینه آنها از منبع سرمایه‌های خارجی تامین می‌شد، اتفاقی نبود. این علاقمندی مسکو در یک سطح، به حزب کمونیست چین امکان آن را داد که روسیه را از لحاظ مسلکی با چین قابل سازگاری تلقی کند. حال از لحاظ عملی دو کشور می‌توانستند طرح‌های خویش را باهم مقایسه نموده و از تجربیات یکدیگر درس بگیرند.

چین با مبنا قرار دادن نظریه‌های جدید در مورد «اقتصاد کالایی سوسیالیستی» اخیراً علاقه شدیدی به مرتبط شدن با ساختار اقتصادی جهان از خود نشان داده است. زائوزیانگ در یک مصاحبه بین‌المللی تلویزیونی از طریق ماهواره با اجلاس مجمع اقتصادی جهان در شهر داوز Davos سوئیس، در اوایل سال ۱۹۸۸ صریحاً در مقابل دنیا تاکید کرد که چین باید «اقتصاد کالایی سوسیالیستی» خویش را از طریق تجارت و همکاری‌های اقتصادی تکنولوژیک با اقتصاد جهان پیوند دهد.^{۱۵} از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۷، پکن فعالانه از سرمایه‌های خارجی سراسر جهان دعوت کرد تا در چین به سرمایه‌گذاری بپردازند. در عرض هشت سال مجموعاً بیش از شانزده میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب چین گردید و در ۷۷۷۵ پروژه سرمایه‌گذاری شد. از این رقم کلی، سرمایه‌های متعلق به اتحاد شوروی تنها ۱۳ درصد را تشکیل می‌داد.^{۱۶} پکن راهی طولانی را به سوی ایجاد یک محیط داخلی مساعد برای سرمایه‌گذاران خارجی در پیش گرفته و عملیات و رویه‌های تجاری خویش را با قواعد بین‌المللی سازگار ساخته است.

Heath Chamberlain, "Party- Management Relations in Chinese Industries", China Quarterly (London), No.112 (December, 1987). Also Deborah Diamond-Kim, "partners in Austerity: Sino-Soviet Bloc Economic Cooperation", China Business Review, May- June, 1987.

15. Renmin ribao, February 3, 1988.

۱۶. آمارها اقتباس شده از منبع زیر است:

"China Data", in China Business Review, May-June, 1987, p.33.

همراهی با اروپای شرقی

اصرار چین بر جهانی کردن اقتصاد خود، این کشور را به جستجوی پیوندهای گسترده با اعضای اردوگاه سوسیالیستی وادار کرد. در سالهای اخیر روابط تجاری چین با شوروی با آهنگ چشمگیری توسعه یافته بود. در فاصله ۸۰-۱۹۷۶ بازرگانی دو جانبه این دو کشور نسبت به میزان اندک دوره ۷۰-۱۹۶۶ افزایشی ۲۷۶ درصدی را نشان می داد. از هنگام آغاز تغییرسیاست چین در سال ۱۹۸۲ تجارت بامسکو به طور مستمر صعود کرده و به ۱/۶ میلیارد روبل در سال ۱۹۸۵ یعنی معادل ۹/۱ برابر سطح سال ۱۹۸۱ رسید. تحت یک موافقتنامه جدید و بلندمدت، انتظار آن می رفت که تجارت سالانه چین و شوروی در سال ۱۹۹۰ دو برابر حجم سال ۱۹۸۵ باشد.^{۱۷} روابط بهتری با شوروی « بازگشت » چین را به اردوگاه سوسیالیستی تسهیل می کرد. همراهی با اروپای شرقی در واقع حتی قبل از کنگره سیزدهم نیز آغاز شده بود. زائوزیانگ در مقام نخست وزیر چین و دبیر کل عامل حزب کمونیست این کشور در ژوئن سال ۱۹۸۷ مسافرتی سه هفته ای به اروپای شرقی داشت.

از میانه دهه ۱۹۶۰ تجارت چین به اردوگاه سوسیالیستی، الگویی مبتنی بر صادرات بیشتر از واردات را حفظ کرده بود. بر اساس آمار و ارقام موجود در میانه سال ۱۹۸۸، چین در سال ۱۹۸۶ دارای مازاد تجارتي برابر با يك میلیارد دلار با روسیه بود. این کشور همچنین دارای موازنه مطلوبی با رومانی، لهستان، چکسلواکی، آلمان شرقی، مجارستان و بلغارستان جمعاً بالغ بر ۱/۴ میلیارد دلار بود.^{۱۸}

17. A. Kuznetsov, "USSR-PRC Trade and Economic Relations", Far Eastern Affairs (Moscow), No.3 (1986), P. 64.

۱۸. داده ها مبتنی است بر اطلاعات ارائه شده در:

China Business Review, May-June, 1987, p. 13.

همراهی چین با اروپای شرقی احتمالاً ادامه خواهد یافت. چین با کلیه کشورهای اروپای شرقی موافقتنامه های تجاری بلند مدتی امضاء نموده که براساس آنها حجم تجارت دو جانبه این کشور در سال ۱۹۹۰ دو برابر حجم سال ۱۹۸۵ خواهد شد. در واقع همراهی با اروپای شرقی به معنی گسترش منافع چین در اروپای غربی است. دنگ شیائوپینگ در ارزیابی اهمیت نسبی اروپای شرقی و غربی اعلام نموده که این هر دو بخش، اجزاء هم ارز یک « نیروی صلح » هستند. وی خصوصاً از باب وضعیت « نابهنجار » روابط چین با اروپای شرقی اظهار تأسف نمود و آن را در نست اصلاح خوانده بود. دنگ افزود که سیاست چین همانا « توسعه روابط دوستی و همکاری با... اروپای غربی و اروپای شرقی » است زیرا اروپا شباهتی با ابرقدرتهای « قمارباز » ندارد. وی سپس سیاست چین مبنی بر کوشش در جهت دوستی با اروپای شرقی را با عبارت « اصل جدید ما » توصیف کرد.^{۱۹}

اینک در یک تغییر رویه جدید در زمینه اعزام دانشجویان چینی به خارج جهت تحصیلات عالیه، چین اروپا را بر ایالات متحده ترجیح می دهد. یک دستورالعمل جدید در چین، اعزام ۵۰ درصد از دانشجویان اعزامی به خارج را به کشورهای اروپائی (از جمله شوروی) ۱۰ درصد را به ژاپن، ۲۰ درصد را به استرالیا و زلاندنو، و ۲۰ درصد دیگر را به ایالات متحده تخصیص داده است.^{۲۰} این دستورالعمل جدید موید تلاشی حساب شده جهت ایجاد تنوع جغرافیائی در این زمینه است که با جهت گیری جدید سیاست خارجی چین نیز سازگاری دارد.

در جستجوی شرکای تجاری جدید

رنگ غالب سیاست خارجی پکن، همچنان علاقه به جهانی کردن اقتصاد

19. Beijing Review, January 11, 1988, p. 18.

20. The New York Times, March 24, 1988.

خواهد بود. مواردی برای اثبات این نکته وجود دارد:

چین در صدد توسعه روابط تجاری خویش با ممالک صنعتی واقع در « جهان دوم » بخصوص ژاپن، استرالیا، کانادا و آلمان غربی است. تجارت چین و استرالیا در سال ۱۹۸۷ به سطح بی سابقه ۱/۶ میلیارد دلار رسید. انتظار می رود که تجارت کانادا با چین در پی يك افزایش ده برابر در عرض شش ساله گذشته همچنان به روند صعودی خویش ادامه دهد. نیاز پکن به متنوع ساختن شرکای تجاری خویش علی رغم بن بست روابط چین با ایالات متحده به احتمال بسیار روابط آن کشور با آلمان را نیز ارتقاء خواهد بخشید. تجارت چین با آلمان غربی از ۲/۸ درصد کل تجارت خارجی چین در سال ۱۹۸۲، به ۵/۵ درصد در سال ۱۹۸۶ افزایش یافت.

علی رغم کدورت‌های موقت میان چین و ژاپن، این کشور همچنان وحتى بیش از پیش برای رهبران اصلاح طلب چین حائز اهمیت خواهد بود. در میانه دهه ۱۹۸۰ تجارت سالانه چین با ژاپن به سطح ۱/۶ میلیارد دلار رسید که می توان آن را با میزان ۳/۷ میلیارد دلار در دهه قبل از آن مقایسه کرد. برای سال ۱۹۸۷، ژاپن اعتبارات هنگفتی بالغ بر ۴ میلیارد دلار جهت حمایت از اصلاحات اقتصادی چین منظور نموده بود. سوداگران ژاپنی سرمایه گذاری غیر مستقیم خویش در چین را نیز افزایش داده اند. طرحهای سرمایه گذاری جدید ژاپن که به تائید پکن نیز رسیده است، تنها در يك ماه بالغ بر يك میلیارد دلار بود.^{۲۱}

تصمیم پکن دایر بر مبدل ساختن جزیره هاینان به يك استان و مهم تر از آن، تصمیم به تبدیل آن به بزرگترین منطقه اقتصادی ویژه کشور صرفاً تلاش چین برای باز کردن جامعه بر روی جهان خارج را به شکل برجسته تری نشان داد. چینی ها برای توسعه منابع غنی این ناحیه به دنبال سرمایه گذاری

21. Asia Wall Street Journal, February 12.

ارقام مربوط به ماه سپتامبر ۱۹۸۷ است.

و تکنولوژی خارجی هستند. ۲۲

پیوندهای چین با جامعه اقتصادی اروپا و بانک توسعه آسیا (ADB) نیز به همین ترتیب حائز اهمیت بیشتری خواهد شد. در سال ۱۹۸۶ تجارت چین با جامعه اقتصادی اروپا به سطح ۱۳/۲ میلیارد دلار رسیده بود که ۳۹/۲ درصد افزایش در طی سال پیش از آن را نشان می داد. چین از هنگام کسب عضویت در بانک توسعه آسیا، منبع استقراض جدیدی را برای تامین مالی پروژه های داخلی خود یافت.

همراهی با کره جنوبی نیز به طور جدی ادامه خواهد یافت. کره جنوبی که یکی از معدود کشورهای بزرگی است که هنوز پیوندهای دیپلماتیک خویش را با تایوان حفظ کرده است، تحت حکومت روتائه وو Roh Tae Woo که به هنگام مبارزات انتخاباتی خطاب به مطبوعات قول برقراری روابط دیپلماتیک با پکن را داد، از خود واکنش محبت آمیزی نشان می دهد. سنول که متوجه «عصر ساحل غربی» خود است، در حال افزایش تماسها با چین می باشد. مشهور است که هر دو کشور به تجارت مستقیم با یکدیگر علاقمندند. ۲۳

در ماه آوریل ۱۹۸۸، پکن در یک حرکت غافلگیرکننده برای خرید تکنولوژی پیشرفته موشکی، معامله ای سری با اسرائیل انجام داد. این معامله همچنین متضمن تجهیز پکن با تکنولوژی لازم جهت موشکهای تصحیح کننده مسیر که طرح نامشخصی دارند، کلاهکهای جنگی ضدزره با هدایت لیزری، و کلوله های توپ بود. به علاوه طبق گزارشات، اسرائیل به چین کمک می کند تا با استفاده از تکنولوژی اقتباس شده از هواپیمای جنگی اسرائیلی لایوی Lavi که پروژه ساخت آن در اسرائیل منتفی شده است، یک هواپیمای جنگنده

۲۲. تصویب رسمی تبدیل هاینان به یک استان در اواخر ماه مارس ۱۹۸۸ توسط هفتمین نشست کنگره ملی خلق صورت گرفت.

23. China News Agency dispatch from Seoul, February 2, 1988.

جدید تولید نماید.^{۲۴} بدین ترتیب چینی ها يك منبع جدید تکنولوژی یافته اند که مادام که مشکلاتشان با واشنگتن ادامه یابد، اهمیت قاطع خواهد داشت.

سه نتیجه گیری محتمل از بحث حاضر حاصل می شود. اولاً جهت گیری جدید سیاست خارجی پکن نتیجه آشکار ارزیابی محیط استراتژیک بین المللی چین است. این جهت گیری همچنین به واسطه الزامات برنامه اقتصادی داخلی چین القا می شود و مستلزم تنظیم مجدد اولویتها می باشد. نخستین تغییر قاطع در سیاست خارجی چین حرکت جدید آن کشور به سمت اصلاح روابط با اردوگاه روسیه بود. تغییر دوم، برتری تازه به اصطلاح «جهان دوم» یعنی کشورهای صنعتی غیرکمونستی بجز ایالات متحده است. اگر چه چین هنوز خود را يك کشور جهان سوم می داند، ولی در تلاش چین برای جستجوی صنایع بدیل و جدید، اعتبارات و تکنولوژی جهان سوم چندان مورد توجه چین نبوده است. تنها استثناء در این زمینه را ظاهراً باید در امریکای لاتین یافت. به طور مثال تماسهای چین با آرژانتین، پرو و برزیل افزایش یافته است.^{۲۵} ثانیاً بن بست روابط چین و امریکا برای واشنگتن در وقت «نامناسبی» بروز کرد، زیرا ظاهراً باعث تقویت تنش ذاتی میان چین و شوروی گردید. طبق گزارشات، پکن و مسکو در ماه مه ۱۹۸۸ پیرامون يك معاهده عدم تجاوز متقابل به گفتگو پرداخته اند.^{۲۶} این امر نشانه ای از تحولات بیشتر پس از

24. The New York Times , April4, 1988.

۲۵. راثول آلفونسین رئیس جمهور وقت آرژانتین در ماه مه ۱۹۸۸ از پکن بیدار کرد. دو هیئت تجاری چینی در جهت توسعه تجارت در ماه فوریه همان سال در لیمای پرو حضور داشتند. يك هیئت برزیلی به منظور گفتگو پیرامون همکاری تجاری و مبادلات تکنولوژی در ماه آوریل از چین دیدن کرد.

26. Reuters dispatch from Tokyo, dated May 3, 1988, quoting Japanes sources.

کنار گذاشتن مشی ضدیت باسلطه گری از سوی چین بود.

بالاخره اینکه تغییر جدید در سیاست خارجی چین دو پیامد دارد. یکی از این پیامدها، تاثیر بالقوه این تغییر بر روابط اقتصادی چین و امریکا است. چینی ها که از بابت مشکلات خویش با واشنگتن ناراحتند، در پی بازارهای جایگزین می باشند. پیامد دیگر، چالش جدیدی است که پکن برای تایوان پیش خواهد آورد. تایوان که برای کاهش مازاد تجاری عظیم خود با ایالات متحده تحت فشار است، به دنبال مجاری خروجی در برخی از نواحی مثل اروپای شرقی و غربی می گردد که چین نیز در پی ایجاد پیوندهای نزدیکتر با آنهاست. این رقابت به واسطه ورود اخیر چین به بانک توسعه آسیا که تایوان را دچار بحران هویت ساخته، حادثه گردیده است.^{۲۷} با حرکت کره جنوبی و اخیرتر از آن عربستان سعودی در جهت نزدیکی بیشتر با پکن این برخورد عمیق تر خواهد شد.^{۲۸}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲۷. در نتیجه ورود پکن تحت نام « جمهوری خلق چین » به بانک توسعه آسیا، این بانک « جمهوری چین » موجود در جزیره تایوان را ملزم ساخت تا نام خویش را به « چین تایپه » تغییر دهد.

۲۸. طبق گزارشات، پکن به منظور تقویت عربستان سعودی در خاور میانه تعدادی موشک زمین به زمین CSS-2 با این کشور فروخته است بنکرید به:

Washington Post., March 17, 1988.